

مستمند فرستاده خداست؛ کسی که از او دریغ دارد، از خدا دریغ داشته، و کسی که به او عطا و بخشش کند، به خدا عطا کرده.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و هفتاد و چهارم چهارشنبه ۱۵ عقرب/آبان ۱۳۹۲ ۳ محرم ۱۴۳۵ ۶ نوامبر ۲۰۱۳

برخی نماینده گان مجلس:

در لویه جرگه غیرقانونی شرکت نمی کنیم!



برگزاری لویه جرگه خاک زدن به چشم مردم است صفحه ۶

سفیر استرالیا در کابل:
۴۰۰ سرباز ما پس از ۲۰۱۴
می ماند



پس از جرمنی، استرالیا دومین کشوری است که شمار سربازانش را برای حضور در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ میلادی مشخص کرده است.

جان فلیپ سفیر استرالیا در کابل روز سه شنبه به رادیوی آزادی گفت که در باره چه گونه گی حضور این نیروها هم اکنون گفت و گوها با حکومت افغانستان جریان دارد.

او افزود: «ما به حکومت پیشنهاد کردیم که می خواهیم پس از سال ۲۰۱۴ میلادی چهار صد سرباز خود را در افغانستان داشته باشیم و حالا این مربوط به تصمیم حکومت افغانستان است که حضور این تعداد عساکر را با ما موافقه می کند یا نه؟ اگر آنان این پیشنهاد ما را بپذیرند پس از امضای توافقنامه...»

ادامه صفحه ۶

مسولان اتاق های تجارت و صنایع:

مقامات حکومتی در اخذی شاهراه ها شریک اند



است که در گزارش این نهاد به نشر رسیده است. به گفته الگوزی، زمانی که یک تاجر مال خود را از جلال آباد به کابل انتقال می دهد، حدود ۲۵۰۰ دالر پول را به عناوین مختلف... ادامه صفحه ۶

در همین حال، یک سازمان غیردولتی موسوم به دیدبان شفافیت در گزارش جدید خود نوشته که شصت درصد پولیس شاهراه های افغانستان از راننده گان کامیون ها اخذی می کنند.

مسئولان این سازمان می گویند، پولیس شاهراه با مصونیت کامل از پیگرد قانونی، اخذی می کنند و از راننده گان مالیات غیرقانونی می گیرند.

به گفته آنان، از هر ده پاسگاه پولیس، در شش پاسگاه توسط پولیس اخذی های غیرقانونی صورت می گیرد و حد اوسط مقدار پولی که گرفته می شود، تقریباً ۳۰۰ افغانی است.

اما خان جان الگوزی معاون اتاق های تجارت و صنایع می گوید، وضعیت در شاهراه های افغانستان بدتر از آن

ناحیه نوری

شماری از مقامات بلند پایه حکومتی و برخی از اعضای شورای ملی، با کسانی که در شاهراه ها از راننده گان کامیون ها اخذی می کنند، شریک هستند.

مسئولان اتاق های تجارت و صنایع و شماری از آگاهان با تأکید بر این موضوع می گویند، زمانی که تاجر مال خود را از جلال آباد به کابل انتقال می دهد، حدود ۲۵۰۰ دالر پول را به عناوین مختلف و به ارگان های مختلف می پردازد.

آنان با انتقاد از حکومت تأکید می کنند، زمینه سازی اصلی فساد و اخذی در شاهراه ها خود دولت است، زیرا ادارات متعددی در پروسه اخذ مالیات غیر ضروری و اخذی در شاهراه ها شریک اند.

راسموسن:

پاکستان مسیر ارسال تدارکات به افغانستان را مسدود نکند



دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از پاکستان خواست مسیرهای ارسال تدارکات برای نیروهای ناتو در افغانستان را به رغم کشته شدن رهبر طالبان پاکستان در حمله هوایمی بدون سرنشین آمریکا، باز نگه دارد. پاکستان روز یکشنبه پس از کشته شدن حکیم الله محسود، سرکرده طالبان پاکستان در حمله هوایمی بدون سرنشین آمریکا به... ادامه صفحه ۶

وزیر مالیه:

در باره قانون تدارکات تجدید نظر شود



نشست ملی تدارکات برای بحث روی تعدیل قانون تدارکات روز گذشته در کابل برگزار شد. حکومت افغانستان تلاش دارد نواقص موجود در این قانون را رفع کرده و مصرف کمک ها را سریعتر و شفافتر سازد. عمر زاخیلوال وزیر مالیه افغانستان می گوید که اکنون نیز قانون تدارکات به درستی عملی نمی شود و این موضوع سبب شده که اجرای پروژه ها مدت بیشتری را در برگیرد و مصارف آن نیز افزایش یابد. در نشست روز گذشته در کنار نماینده گان وزارت های افغانستان، نماینده گان کشورهای خارجی و سازمان های کمک کننده به افغانستان، نیز اشتراک داشتند. وزیر مالیه گفت که نادیده گرفتن قانون تدارکات یکی از دلایل مهم عدم شفافیت در پروژه ها و طولانی و پرمصرف شدن پروژه های بازسازی است.

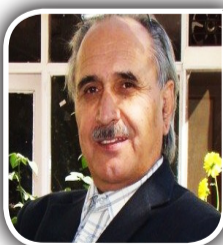
ادامه صفحه ۶

در برگ ها



صلح
آرزوی
دیرینه مردم
یا کجکول
کجکاری های
حکومت؟!

چالش گذار به
مردم سالاری
و ناتوانی
نهادهای مدنی
روسیه



پرتو نادری
در وسط امر
«نوشتن
شعر»

نامه وارده به
روزنامه
به ریاست محترم
شهرداری کابل و
قابل توجه ریاست
محترم حفظ و
مراقبت مکروبیان ها!



عبدالقهار سروری

صلح

آرزوی دیرینه مردم یا کجکول کجکاری های حکومت!؟

گونه مسالمت آمیز زنده گی کنند و پاسدار ارزش ها و داشته های خود باشند. صلح یک طرفه و یک جانبه که تمام ارزش ها و دستاوردهای یک طرف را به نفع طرف مقابل قربانی کند، صلح نیست، بلکه ذلت و تسلیم شدن به بی عدالتی و دیدگاه های غیرانسانی است. تفوق طلبی هرگز زمینه صلح نخواهد بود، بلکه صلح حقیقی همانا صداقت در عمل، درک و تحمل یکدیگر، احترام متقابل، شراکت در ارزش ها بر مبنای عدالت و برابری و ادامه زنده گی در یک فضای مسالمت آمیز است.

ایجاد شورای عالی صلح به ریاست شهید برهان الدین ربانی، می توانست گام بزرگی باشد برای استقرار صلح و صفا در افغانستان. اما دیدیم که به رغم تلاش های صادقانه این شخصیت برجسته ملی و جهادی کشور، جانب مقابل در پوشش پروسه صلح، طرح ترورش را ریخت و ناجوان مردانه وی را به شهادت رساند. مبرهن است که فعالیت های صلح خواهانه در کشور، از همان آغاز به کاستی ها و کژی های فراوانی آلوده شده بود و این آلودگی سرچشمه های بیرونی و داخلی داشت. نگاه غالب قومی به مساله صلح در داخل کشور و نگاه ابزاری به این موضوع در بیرون از افغانستان، همواره باعث شد که ما از حرکت در مسیر یک صلح حقیقی، فرسنگ ها دور بمانیم. روی دست گیری برنامه های تشریفاتی و پرهزینه

زیر نام صلح، و امتیاز دادن بی رویه به قاتلین مردم افغانستان و عاملین اصلی ویرانی این مملکت، نه تنها صلح و امنیت را به میان نیاورد، بلکه باعث به وجود آمدن نوعی حساسیت و بدگمانی در جامعه نسبت به برنامه صلح شد. چنانکه اکنون نیز آقای کرزی به بهانه پروسه صلح، با جنایت کاران و دشمنان آشکار مردم افغانستان و پاکستان، اعلام همدردی می کند و کشته شدن رهبر طالبان پاکستانی را نادرست و بی موقع



تلاش ها برای تحقق صلح و جستجو نمودن زمینه های اصلی آن، باید به گونه جدی و ملی از سال ها پیش آغاز می شد. زیرا هم زمان با روی کار آمدن شرایط جدید در کشور، زمینه بی بدیلی نیز برای تحقق و تحکیم صلح در افغانستان به وجود آمد، که متأسفانه مورد استفاده قرار نگرفت. در آن زمان همه مردم افغانستان به جز یک عده محدود از فتنه جوینان، خواهان صلح و ثبات

صلح، پدیده و مفهومی است که مردم خسته از جنگ افغانستان همواره در تکاپو و آرزوی دست یابی به آن بوده و در این راه قربانی های فراوان داده اند. سال ها می شود که مردم ساکن در این کشور، از مزایای یک صلح واقعی و نهادینه شده مستفید نشده و برای نیل به آن، آرزوها و امیدهای فراوان بسته اند. بدون شک دست یافتن به صلح، به مثابه زیربنای حل تمام مشکلات موجود در کشور، حق تمام مردم ساکن در افغانستان است که باید به آن دست یافت و در پرتو آن به گونه مسالمت آمیز و عادلانه زنده گی کرد.

آن گونه که همه می دانند، صلح جز ترویج فرهنگ گفت و گو و فراهم شدن زمینه برای زنده گی مسالمت آمیز اقوام، چیز دیگری نیست. یعنی صلح وسیله و زمینه تحقق آرزوهای مردم و مسیر سفر به سوی به اهداف ملی است. اما آقای کرزی و دیگر مسوولین حکومت فعلی افغانستان، کارهای گوناگونی را زیر نام صلح و یا مرتبط به پروسه معماگونه صلح، انجام می دهند. آن ها از گردهمایی ها و سفرهای گروهی و شخصی شروع، تا امتیازدهی به قاتلین مردم افغانستان، رهایی مجرمین از زندان ها، اظهار همدردی با جنایت کاران و دشمنان مردم افغانستان، همسویی با شعارها و برنامه های تفوق طلبانه قبیله ای، همه و همه را تلاش های صلح خواهانه در کشور می خوانند! تلاش ها برای رهایی اسیران طالبان، اشتراک در نشست سه جانبه افغانستان - پاکستان - انگلستان در لندن، تأکید بر گفته های تکراری و بی نتیجه مبنی بر اثرات مثبت این نشست ها در تحکیم پروسه صلح افغانستان، بی موقع خواندن کشته شدن حکیم الله محسود رهبر طالبان پاکستانی و اظهار نگرانی از اثر منفی این واقعه بر برنامه های مرتبط با صلح؛ فقط گوشه ای از کارکردها و دیدگاه های حکومت افغانستان در ارتباط با برنامه صلح در کشور را تشکیل می دهند. در حالی که

فعالیت های صلح خواهانه در کشور، از همان آغاز به کاستی ها و کژی های فراوانی

آلوده شده بود و این آلودگی سرچشمه های بیرونی و داخلی داشت. نگاه غالب

قومی به مساله صلح در داخل کشور و نگاه ابزاری به این موضوع در بیرون

از افغانستان، همواره باعث شد که ما از حرکت در مسیر یک صلح حقیقی،

فرسنگ ها دور بمانیم. روی دست گیری برنامه های تشریفاتی و پرهزینه زیر نام

صلح، و امتیاز دادن بی رویه به قاتلین مردم افغانستان و عاملین اصلی ویرانی این

مملکت، نه تنها صلح و امنیت را به میان نیاورد، بلکه باعث به وجود آمدن نوعی

حساسیت و بدگمانی در جامعه نسبت به برنامه صلح شد.

به راستی این پروسه صلح چه معنایی است که هر روز که از آن می گذرد،

معامله گری ها و بی عدالتی های بیشتری را در خود جای می دهد و قاتلین مردم

افغانستان را جری تر و حمایت گران خارجی آن را آسوده تر می سازد؟

واقعی و دایمی در کشور بودند. اما افسوس که در آن برهه مهم، زمام برنامه های ملی و صلح خواهانه مردم، به کسانی داده شد که ذهنیت های منفی و غیرملی داشتند و با اصول حقیقی و مدرن صلح مخالف بودند. از این رو آن ها به جای تحکیم صلح و تقویت روحیه یکدیگرپذیری در افغانستان، به ازدیاد فاصله ها میان مردم و گسترش بی ثباتی و نفاق در کشور پرداختند و طرفه این که تمام این کارها را زیر عنوان «صلح خواهی» انجام دادند.

بدبختی است که مردم افغانستان صلح می خواهند، اما نه به قیمت از دست دادن حق زنده گی و آزاده گی خود؛ چرا که صلح میان دو طرف متخاصم انجام می گیرد تا در نتیجه آن، هر دو طرف به

می خواند. به راستی این پروسه صلح چه معنایی است که هر روز که از آن می گذرد، معامله گری ها و بی عدالتی های بیشتری را در خود جای می دهد و قاتلین مردم افغانستان را جری تر و حمایت گران خارجی آن را آسوده تر می سازد؟

رییس جمهور کرزی و تیم کاری اش اگر ذره بی هم به این ملت و مملکت می اندیشند، باید به عدالت کشی ها و سوءاستفاده های کلان استخباراتی زیر نام پروسه صلح پایان دهند؛ ورنه ضمن به هدر رفتن آخرین فرصت ها برای رسیدن به صلح، مورد قضاوت و مجازات سخت تاریخ قرار خواهند گرفت.

سخن ماندگار

کرزی؛

سخنگوی طالبان هر دو سوی مرز!

اعلام ناراضی دولت افغانستان نسبت به کشته شدن حکیم الله محسود، سنگ نهایی طالب پروری دولت آقای کرزی را گذاشت. پیشتر از این، سخنگویان او گفته بودند که در این زمینه نظری نخواهند داشت، زیرا موضع ایالات متحده تا هنوز مشخص نیست. اما اینک نامه خبری ریاست جمهوری افغانستان می نمایاند که رییس جمهور کرزی، کشته شدن آقای محسود را ضربه بی پر پروسه صلح می داند و همانند پاکستان از این مساله شدیداً ناراحت است.

البته این نخستین واکنش غیرمنطقی آقای کرزی نسبت به یک عملیات ضد تروریستی نیست. چندی قبل نیز که نیروهای آمریکایی لطیف الله محسود (پسرکاکای حکیم الله) را در ولایت لوگر دستگیر کردند، آقای کرزی برافروخته و خشمگین شد. گویا لطیف الله محسود برای وساطت به کابل آمده بود.

یافته ها بر آن اند که حکیم الله محسود فرمانده طالبان پاکستانی، با همکاری دولت پاکستان کشته شده است. زیرا گفته می شود که در این اواخر، این فرمانده طالب تمایل پیدا کرده بود که با ایالات متحده از طریق دولت افغانستان گفت و گو کند و این گونه پاکستان را نگران ساخته بود. با آن که دولت پاکستان نشان می دهد که از کشته شدن محسود ناراحت است، اما این واکنش چیزی جز فریب اذهان عامه نیست. زیرا در پاکستان احساسات ضد آمریکایی به دلیل فعالیت هواپیماهای بدون سرنشین، به شدت در غلیان است و نیز دولت پاکستان از عملکرد انتقام جویانه طالبان در هراس است؛ بنابراین به ناچار خود را مخالف کشته شدن محسود نشان می دهد. اما پرسش این است که چرا آقای کرزی از مرگ یک تروریست، چنین اظهار ناراضی می کند؟

همسویی آقای کرزی با پاکستان در این قضیه دو جنبه دارد. یکی این که دولت افغانستان بنا بر همان سیاست طالب گرایانه اش موضع گیری کرده است. هر چند رییس جمهور برهم خوردن مذاکرات صلح را بهانه می کند، اما واضح است که اگر تمایل محسود به گفت و گو وجود می داشت، باید ماه ها پیش این مذاکره صورت می گرفت و این گونه سناریوی مذاکره چندین سال به درازا نمی کشید. از سوی دیگر، این تمایل هرگز به معنای پایان خشونت ها نبوده و نمی باشد. همین اکنون روشن است که میان طالبان پاکستانی دو دسته گی وجود دارد. این نکته از عملکرد آن ها بر سرچاشنی فرمانده جدید روشن است که اکنون سعی بر آن است که رادیکال ترین چهره را جایگزین آقای محسود سازند و این خود می نمایاند که هیچ میلی به گفت و گو وجود نداشته و نخواهد داشت. بنابراین، هنوز هم بحث گفت و گو با طالبان، یک امر منتفی و بی فایده است؛ اما دولت افغانستان نمی تواند از آن دل بکند.

جنبه دیگر این همسویی را می توان در ناآگاهی حکومت افغانستان جست و جو کرد؛ این که آقای کرزی هنوز نمی داند پاکستان چرا همکاری کرد تا آمریکایی ها به مخفی گاه محسود دست یابند. به این معنا که دولت کرزی از بازی دوسره پاکستان هیچ چیز نمی داند و تنها فریب موضع گیری ظاهری پاکستان را خورده است.

در هر صورت، مساله این است که آقای کرزی یک بار دیگر در کنار طالبان ایستاده و سخنگوی طالبان افغانستانی و پاکستانی شده است. طالبان همواره در جریان گفت و گوهای صلح، دست به خشونت بارترین حملات زده اند. آن ها هر چند شاید تمایل به گفت و گو داشته اند، اما از سوی دیگر حملات شان را علیه مردم بی گناه افغانستان توقف نداده اند. حتا در مواردی قاصدان صلح را کشته اند. پس اکنون چه جای تأسف است که یک بار هم جبهه مبارزه علیه تروریسم، یکی از آن ها را در جریان گفت و گوها کشته باشد. اگر طالبان به صلح علاقه واقعی دارند، نباید با یک عمل بالمثل جبهه مبارزه علیه تروریسم، از موضع خود عقب بنشینند. این منطق کاملاً آشکار قضیه است، ولی متأسفانه دیده می شود که این بار آقای کرزی مدافع و سخنگوی طالبان هر دو سوی مرز یا عبارتی لر و بر شده است.

کری به عربستان: باید درباره حق راننده‌گی زنان تصمیم بگیرد



وزیر امور خارجه آمریکا گفت که عربستان باید درباره فرارسیدن زمان حق رانندگی برای زنان تصمیم‌گیری کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری در ریاض گفت: هیچ مسأله مخفیانه‌ای مبنی بر این وجود ندارد که در آمریکا ما از برابری جنسیتی، نژادی و سایر شرایط در بین افراد استقبال می‌کنیم. اما این مسأله به عربستان بستگی دارد که درباره ساختار اجتماعی و سایر انتخاب‌ها و زمان انجام آن‌ها تصمیم‌گیری کند. در چند روز گذشته واشنگتن اعلام کرده بود که از حقوق جهانی زنان برای رانندگی در عربستان حمایت می‌کند؛ این امر پس از آن صورت گرفت که چند زن سعودی با نقض قانون عدم رانندگی در عربستان، سوار بر خودرو و پشت فرمان در اکتبر سال جاری میلادی اقدام به رانندگی در خیابان‌های عربستان کردند. جنیفر ساکی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: ما از حضور کامل زنان در جامعه عربستان حمایت می‌کنیم. مردم در سراسر جهان حقوق جهانی مشترکی دارند و می‌توانند این حقوق را به صورت صلح‌آمیز بیان کنند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در پاسخ به سؤالی درباره کمپین زنان سعودی برای رانندگی در عربستان افزود: ما از این اقدام حمایت می‌کنیم. اما جان کری در دیدار و گفتگو با رهبران سعودی گفت: این یک منظره خوب و سالم درباره رانندگی زنان در عربستان است، اما من فکر می‌کنم که بهتر است این مسأله را بر عهده مردم عربستان بگذاریم که در آن دخیل هستند. وی افزود: همه می‌دانند که ایالات متحده از این مسأله حمایت می‌کند.

هشدار سازمان ملل از وضعیت وخیم مردم سوریه

بلندپایه‌ترین مقام سازمان ملل در امور بشردوستانه، اعلام کرد ۹ میلیون و سیصد هزار نفر از مردم سوریه (حدود ۴۰ درصد از جمعیت این کشور) به کمک‌های خارجی احتیاج دارند. از سپتامبر (حدود دوماه پیش) به این سو، دو و نیم میلیون نفر به این آمار افزوده شده‌اند. والرئ آموس رییس بخش امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در جلسه‌ی با شورای امنیت سازمان ملل گفت که بحران سوریه «به سرعت و به طور اجتناب‌ناپذیری رو به وخامت می‌رود». خانم آموس گفت که شورای امنیت باید «تمام قوای سیاسی خود را به کار ببندد تا هم حکومت و هم مخالفان» راه را برای کمک‌رسانان هموار کنند. سخنگوی خانم آموس گفت که او می‌خواهد همچنان به فشار بر اعضای شورای امنیت ادامه دهد تا از نفوذ خود بر طرفین استفاده کنند تا غیرنظامیان و تاسیسات غیرنظامی صدمه نبینند. او همچنین می‌خواهد تا راه برای کمک‌های پزشکی و امدادرسانان باز و ایمن باشد. بیش از نیمی از کسانی که به کمک احتیاج دارند، سوری‌هایی هستند که به خاطر درگیری‌ها مجبور به مهاجرت درون مرزهای کشورشان شده‌اند. تعداد کسانی که در داخل سوریه مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند، از چهار میلیون و دویست هزار نفر در ماه ژوئن به شش و نیم میلیون نفر رسیده است. ماه گذشته بود که سازمان ملل خواهان بهبود اوضاع بشردوستانه در سوریه شد. سازمان ملل همچنین می‌گوید که حدود دو و نیم میلیون نفر از سوری‌ها در مناطق دور افتاده یا تحت محاصره زندگی می‌کنند و دسترسی به غذا، نیروی برق و حتی امکانات پزشکی و بهداشتی ندارند. سازمان‌های کمک‌رسان از دولت این کشور شکایت می‌کنند که به کارکنانشان ویزا نمی‌دهد و سعی می‌کند تا تعداد گروه‌های کمک‌رسان درون کشور را محدود کند. از سوی دیگر، کشورهای همسایه سوریه مثل اردن هشدار داده‌اند که توان رسیدن به این تعداد از پناهجویان سوری را ندارند. سازمان ملل تعداد پناهجویان سوری که بعد از شروع اعتراض‌ها در سال ۲۰۱۱ کشور را ترک کردند را حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر تخمین می‌زند. بیشتر این افراد در کشورهای اردن، لبنان، ترکیه، عراق و مصر پناه گرفته‌اند. آمار سازمان ملل همچنین نشان می‌دهد که تا به حال درگیری‌ها به کشته شدن بیش از یکصد هزار نفر در سوریه منجر شده است.

ماشین‌های بی‌احساس صلح را در پاکستان از بین می‌برند



نخست‌وزیر پاکستان در نخستین سخنرانی عمومی خود پس از کشته شدن رهبر طالبان در این کشور در حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا هشدار داد: صلح را نمی‌توان با فرستادن «ماشین‌های بی‌احساس» به دست آورد. نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان در سخنرانی خطاب به افسران ارتش این کشور در رزمایشی که در نزدیکی شهر باهاول پور برگزار شد، گفت: دولت من کاملاً مصمم به پایان دادن به چرخه خشونت و خونریزی است. وی خاطرنشان ساخت: اما این کار را نمی‌توان یک شبه انجام داد و همچنین آن را نمی‌توان با فرستادن ماشین‌های خالی از احساس و درک علیه شهروندان بدون آنکه هیچ گونه تلاشی برای آوردن عناصر سردرگم و گمراه جامعه به جریان اصلی انجام شود، حاصل کرد. نخست‌وزیر پاکستان در وحدت کامل میان همه بازیگران در این کشور برای مقابله با این چالش تأکید کرد. وی گفت: در این خصوص این ضروری است که احزاب سیاسی ارتش و جامعه مدنی موضع یکسان داشته باشند تا یک محیط مناسب برای مقابله با این تهدید ایجاد شود. وی همچنین گفت: در راستای اظهار وحدت ملی کنفرانس همه احزاب که اخیراً برگزار شد بر ضرورت ایجاد فرصت برای صلح تأکید کرد. وی افزود: وحدت در میان همه بازیگران از جمله احزاب سیاسی، نیروهای نظامی و اجرایی، قوه قضائیه، پارلمان و رسانه‌ها در این دوران دشوار بسیار لازم است. هیچ کس خواهان خونریزی‌های بیشتر نیست. نواز شریف خاطرنشان ساخت: ما به اندازه کافی خشونت دیده‌ایم و سربازان ما بیشترین تاوان را با شهادت خود پرداخته‌اند. زحمت و خون این سربازان منجر به این شد که دفاع کشورمان مستحکم و رسوخ ناپذیر شود. در جریان رزمایشی که نواز شریف به همراه جنرال اشرف

نخست‌وزیر پاکستان در نخستین سخنرانی عمومی خود پس از کشته شدن رهبر طالبان در این کشور در حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا هشدار داد: صلح را نمی‌توان با فرستادن «ماشین‌های بی‌احساس» به دست آورد. نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان در سخنرانی خطاب به افسران ارتش این کشور در رزمایشی که در نزدیکی شهر باهاول پور برگزار شد، گفت: دولت من کاملاً مصمم به پایان دادن به چرخه خشونت و خونریزی است. وی خاطرنشان ساخت: اما این کار را نمی‌توان یک شبه انجام داد و همچنین آن را نمی‌توان با فرستادن ماشین‌های خالی از احساس و درک علیه شهروندان بدون آنکه هیچ گونه تلاشی برای آوردن عناصر سردرگم و گمراه جامعه به جریان اصلی انجام شود، حاصل کرد. نخست‌وزیر پاکستان در وحدت کامل میان همه بازیگران در این کشور برای مقابله با این چالش تأکید کرد. وی گفت: در این خصوص این ضروری است که احزاب سیاسی ارتش و جامعه مدنی موضع یکسان داشته باشند تا یک محیط مناسب برای مقابله با این تهدید ایجاد شود. وی همچنین گفت: در راستای اظهار وحدت ملی کنفرانس همه احزاب که اخیراً برگزار شد بر ضرورت ایجاد فرصت برای صلح تأکید کرد. وی افزود: وحدت در میان همه بازیگران از جمله احزاب سیاسی، نیروهای نظامی و اجرایی، قوه قضائیه، پارلمان و رسانه‌ها در این دوران دشوار بسیار لازم است. هیچ کس خواهان خونریزی‌های بیشتر نیست. نواز شریف خاطرنشان ساخت: ما به اندازه کافی خشونت دیده‌ایم و سربازان ما بیشترین تاوان را با شهادت خود پرداخته‌اند. زحمت و خون این سربازان منجر به این شد که دفاع کشورمان مستحکم و رسوخ ناپذیر شود. در جریان رزمایشی که نواز شریف به همراه جنرال اشرف

نمی‌توان با آمریکا روابط خوبی داشت

به دنبال انتشار گزارشی در مورد اینکه آمریکا، ونزوئلا را در اولویت‌های فعالیت‌های جاسوسی خود قرار داده، کاراکاس به این اقدام واشنگتن به شدت اعتراض کرده و هشدار داد که روابط دو جانبه همچنان سرد باقی خواهد ماند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، الیاس خائوآ وزیر خارجه ونزوئلا پس از کنفرانسی خبری با همتای مکزیک‌یی خود گفت: این غیرقابل قبول است که آن‌ها از ما جاسوسی می‌کنند. روزنامه نیویورک تایمز دو روز پیش گزارش داده بود که ونزوئلا در میان شش «هدف مداوم» در ماموریت رسمی آژانس امنیت ملی آمریکا از سال ۲۰۰۷ بوده است که کره‌شمالی، چین و روسیه نیز جزو این کشورها بوده‌اند. براساس اسناد افشا شده از سوی ادوارد استون، آژانس امنیت ملی آمریکا بر ای‌میل‌های دولتی و شخصی ۱۰ مقام اقتصادی ارشد ونزوئلا نظارت داشته است. وزیر خارجه ونزوئلا خاطر نشان کرد: افشای این مسأله بار دیگر نشان داد که چرا ما نمی‌توانیم روابط خوبی با آمریکا داشته باشیم. تلاش‌ها برای ایجاد مجدد روابط دیپلماتیک بین کشورش و آمریکا همچنان بی‌نتیجه است. روبرتو بین دو کشور بهبود نخواهد یافت زیرا آمریکا به فعالیت‌های مداخله‌جویانه از جمله جاسوسی از رهبران خارجی همچنان ادامه می‌دهد. خواگت از اینکه آمریکا از هوگو چاوز، رئیس جمهوری فقید ونزوئلا جاسوسی می‌کرده، شکفت زده نشده است و اعتراف دولت آمریکا به این اقدام کار را برای ونزوئلا برای داشتن روابط خوب با واشنگتن سخت می‌کند.

عربستان و «غیرمسوولانه‌ترین سیاست خارجی» در جهان



دیگر نسخ و فرقه‌های اسلامی با عنوان مرتد برخورد و از ظلم دیگران به آن گروه‌ها چشم پوشی کرده است. گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان دیده‌بان حقوق بشر جزئیاتی را درخصوص طرقتی ارائه می‌دهد که به وسیله آن دولت سعودی، روحانیون، پولیس و مدارس مذهبی به طور سیستماتیک علیه جمعیت محلی شیعه تبعیض قائل می‌شوند؛ از جمله این اقدامات، بازداشت‌ها، ضرب و شتم‌ها و گهگاه استفاده از مهمات جنگی است (این فقط در مورد شیعیان نیست. در ماه مارچ سال ۲۰۱۲، مفتی اعظم عربستان سعودی طی فتوایی اعلام کرد: لازم است همه کلیساها در شبه جزیره عرب تخریب شوند). رژیم بیم آن دارد که هر نوع توانمندسازی شیعیان در هر کجا می‌تواند به ۱۵ درصد جمعیت عربستان که شیعه هستند جرات و جسارت ببخشد - شیعیان در بخشی از این کشور زندگی می‌کنند که بیشتر ذخایر نفت آن در آنجا قرار دارند. به همین علت است که سعودی‌ها در جریان بهار عربی در سال ۲۰۱۱ به همسایه‌شان، بحرین، نیرو فرستادند تا بر قیام اکثریت شیعه غلبه کنند. خانواده سلطنتی آل سعود از رخدادهای منطقه خود و فراتر از آن به لرزه افتاده‌اند. آنها احساس می‌کنند که نارضایتی‌یی که باعث شروع بهار عربی شد در توده مردم آنها هم وجود دارد. آنها از احمای ایران می‌ترسند. آنها همچنین می‌دانند که آمریکا ممکن است به زودی به طور کامل از وابستگی به نفت خاورمیانه رها شود. با توجه به این روندها، ممکن است عربستان سعودی نگران آن باشد که یک کرسی در شورای امنیت سازمان ملل مانع آزادی عمل آنها شود یا اینکه این موضوع، حقیقت برخی از فعالیت‌های غیرقابل پذیرش آنها را آشکار کند یا اینکه ریاض را مجبور کند درخصوص موضوعاتی رای دهد که ترجیح می‌دهد از آنها چشم‌پوشی کند. همچنین امکان دارد سعودی‌ها در حالت آزدگی به طور ناگهانی چنین تصمیمی گرفته باشند. از همه اینها گذشته، آنها سالها به لابی‌گری در خصوص این کرسی مشغول بوده‌اند. دلیلش هر چه که باشد، بیابید تأیید کنیم که بله، عربستان سعودی از آمریکا خشمگین است. اما آیا مطمئنیم که این نشان از آن دارد که واشنگتن در حال انجام کاری اشتباه است؟

هر جای دنیا که بروید - از آلمان گرفته تا اندونزی - به مراکز اسلامی برمی‌خورید که غرق در پول سعودی‌ها هستند و عدم تحمل و تنفر را ترویج می‌کنند. در سال ۲۰۰۷ «استوارت لوی»، وزیر ارشد خزانه‌داری وقت آمریکا، به ای بی سی نیوز گفت: اگر می‌توانستیم با یک اشاره بودجه یک کشور را قطع کنیم، آن کشور عربستان سعودی می‌بود. مقامات سعودی وقتی با اسناد رو به رو می‌شوند، اغلب ادعا می‌کنند که این سرمایه‌ها از جانب اشخاص و موسسات خصوصی به آنها اعطا می‌شود و دولت بر روی آنها کنترلی ندارد. اما بسیاری از این موسسات توسط دولت یا اعضای کلیدی خانواده سلطنتی تأسیس شده‌اند و هیچ کدام نمی‌توانند بی‌اعتنا به خط مشی ملی فعالیت کنند؛ این کشور پادشاهی مطلقه است؛ در تلگرافی در دسامبر ۲۰۰۹، که ویکی لیکس در سال ۲۰۱۰ آن را فاش کرد، «هیلازی کلیتون»، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، تأیید کرد که عربستان سعودی همچنان «پایگاه حیاتی تأمین مالی» تروریسم است و ریاض برای توقف روند کمک‌های مالی به طالبان و دیگر گروه‌های این چنینی تنها اقدامات محدودی انجام داده است.

چشم تان را قربانی کمپیوتر نکنید!



چشم انسان حروف چاپی را بهتر از حروف نمایش داده شده بر روی مانیتور می‌بیند. علت این امر این است که حروف چاپی کنتراست بیشتری با صفحه سفید زمینه داشته و لبه‌های آن‌ها واضح‌تر است. حال آن‌که در مورد صفحه مانیتور چنین نیست و لبه‌ها به وضوح حروف چاپی نیستند. یکی از مهم‌ترین دلایل خشکی و سوزش چشم هنگام کار با کمپیوتر، کاهش میزان پلک زدن است. این مسأله به همراه خیره شدن به صفحه مانیتور و تمرکز بر روی موضوع کار سبب می‌شود تا پلک‌ها مدت بیشتری باز بمانند و در نتیجه، اشک روی سطح چشم سریع‌تر تبخیر می‌شود. با رعایت توصیه‌های زیر می‌توان تا حد بسیار زیادی از آسیب‌های چشمی جلوگیری کرد:

۱. سعی کنید به‌طور ارادی پلک بزنید.
- این کار سبب می‌شود سطح چشم شما با اشک آغشته شده و خشک نشود. در صورتی که مشکل شما شدید باشد، می‌توانید از قطره‌های اشک مصنوعی استفاده کنید.
۲. مرکز مانیتور باید حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی متر پایین‌تر از چشمان شما باشد. این وضعیت علاوه بر اینکه باعث می‌شود پلک‌ها پایین‌تر قرار گیرند و سطح کم‌تری از چشم در معرض هوا باشد. از خستگی گردن و شانه‌ها نیز می‌کاهد. در این موارد هم باید مانیتور را در ارتفاع مناسب قرار داد و هم ارتفاع چوکی را نسبت به میز کار تنظیم کرد به طوری که ساعد شما هنگام کار با keyboard موازی با سطح زمین باشد.
۳. مانیتور خود را طوری قرار دهید که نور پنجره یا روشنایی اتاق به آن نتابد. هنگام کار با کمپیوتر سعی کنید پرده‌ها را بکشید و روشنایی اتاق را نیز به نصف وضعیت معمولی کاهش دهید.
۴. به چشمان خود استراحت دهید.
- سعی کنید هر ۵ تا ۱۰ دقیقه چشم خود را از مانیتور برداشته و به مدت ۵ تا ۱۰ ثانیه به نقطه‌ی دور نگاه کنید. این کار سبب استراحت عضلات چشم می‌شود. همچنین به شما وقت می‌دهد پلک بزنید و سطح چشم شما مرطوب شود.
۵. استفاده از copyholder در هنگام تایپ اگر مجبورید که متناوباً به یک صفحه نوشته و مانیتور نگاه کنید (خصوصاً در مورد تایپ‌سخت‌ها) ممکن است چشم شما خسته شود، زیرا باید تطابق خود را تغییر دهد. برای جلوگیری از این مسأله سعی کنید صفحه نوشته شده را در حداقل فاصله و هم‌سطح با مانیتور قرار دهید. برای این کار می‌توانید از copyholder استفاده کنید.
۶. فاصله مانیتور با چشمان شما باید ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر باشد.
۷. روشنایی و کنتراست مانیتور خود را تنظیم کنید.
- میزان روشنایی مانیتور باید با روشنایی اتاق هماهنگی داشته باشد. یک روش برای تنظیم روشنایی مانیتور این است که به یک صفحه وب با زمینه سفید نگاه کنید. اگر سفیدی صفحه برای شما مثل یک منبع نور است، روشنایی مانیتور زیاد است و باید آن را کم کنید. در مقابل، اگر صفحه کمی خاکستری به نظر می‌رسد، روشنایی را زیاد کنید.
۸. مشخصات دیگر مانیتور خود را تنظیم کنید.

کیفیت نمایش تصاویر بر روی مانیتور به سه عامل بستگی دارد: Resolution، Refresh Rate و DotePitch. Refresh Rate نشان‌دهنده فرکانس تجدید تصویر بر روی مانیتور است. فرکانس پایین می‌تواند برای چشم خسته‌کننده باشد و فرکانس‌های خیلی پایین سبب پرش تصویر می‌شوند. بهترین Refresh Rate حدود ۷۰ هرتز یا بیشتر است. Resolution یا وضوح تصویر که به Refresh Rate نیز بستگی دارد، به تراکم پیکسل‌های تصویر بر روی مانیتور گفته می‌شود. هرچه تعداد پیکسل‌ها بیشتر باشد، جزئیات بیشتری از تصویر دیده می‌شود. به طور کلی هرچه Resolution بیشتر باشد بهتر است، ولی باید به Refresh Rate نیز توجه داشت. گاهی Resolution بالا Refresh Rate پایین دارند، بنابراین باید وضعیتی را انتخاب کرد که هر دو بیشترین تعداد را داشته باشند. اگر علی‌رغم رعایت توصیه‌های گفته شده، بازهم دچار مشکل هستید، می‌توانید برای دریافت عینک مناسب کمپیوتر به چشم‌پزشک مراجعه کنید.

چالش گذار به مردم‌سالاری و ناتوانی نهادهای مدنی روسیه

اله کولایی

فدراسیون روسیه، ضروری است این روندها از دوران اتحاد شوروی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه شناخت فرهنگ و سنت‌های سیاسی دوران تزاری و جریان شکل‌گیری تفکر سیاسی و دولت در روسیه تزاری نیز اجتناب‌ناپذیر است. درک منطق سیاست‌های دموکراتیک‌سازی جامعه روسیه که گورباچف طراحی کرد، بدون مرور پیشینه ساختارها و فرآیندهای سیاسی در این کشور میسر نیست. تلاش‌های او برای بازگشت به «نظام شوراها»، برای حفظ نظام سیاسی در حال فروپاشی اتحاد شوروی بود. او

حزب کمونیست، حزب جای خود را به مردم نداده است. در روسیه فرآیند سریعی از «دولت‌سازی» شکل گرفته که به‌ضرورت بیانگر حاکمیت اراده مردم نیست. در نظریه حاکمیت می‌توان از راه تدوین و اجرای قانون اساسی، حاکمیت قانون، تنظیم روابط مردم و هیأت حاکمه، حاکمیت مردم را تأمین کرد. ولی در شرایط کنونی روسیه، این هنجارهای حقوقی کمتر معنی می‌یابند و ترکیبی از دسته‌بندی‌های طبقاتی، نخبه‌گان جدید و قدیم و خود قدرت دولتی در تعامل قرار گرفته‌اند.

اصلاحات گورباچف به‌طور بنیادین روابط قدرتی را که رژیم شوروی براساس آن قرار گرفته بود، دگرگون ساخت. اجزای این نظام مانند قطعات یخ در حال ذوب، از یک‌دیگر جدا شدند، ولی هم‌چنان وجود داشته، دوباره با گذشت زمان و شرایط مناسب به یک‌دیگر پیوسته‌اند. برای نمونه، طبقه «نومنکلاتورا» با از میان رفتن اتحاد شوروی از میان نرفته، بلکه جایگاه خود را در چهارچوب رژیم پیشین از دست داده است.

برخلاف انگلستان قرن نوزدهم که دموکراسی در یک جامعه لیبرال بر اساس مالکیت خصوصی و قانون تکامل یافت، دموکراسی سیاسی در روسیه پایه‌های اجتماعی مناسب نداشته است. در روسیه، انقلاب دموکراتیک قبل از انقلاب بورژوازی رخ داده است. دگرگونی‌های سیاسی از پایه و اساس اقتصادی - اجتماعی خود که باید از آن ریشه می‌گرفت، فراتر رفته است. دموکراسی قبل از لیبرالیسم ظاهر شده، لذا در هراس از به‌دست نیامدن پایه‌های اجتماعی خویش بوده است. روابط میان ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و اقتدار سیاسی و هیأت حاکمه هم‌چنان در ابهام قرار دارد. پس از کودتای اوت ۱۹۹۱، واژه‌های چپ و راست پس از آن با معنا و مفهوم جدیدی به کار گرفته شد. جناح چپ به حمایت از بازار آزاد و مدل دموکراسی غربی پرداخت، در حالی که جناح راست فعالیت خود را وقف احیای سوسیالیسم و نظام کمونیسم لنینی ساخت. در حالی که دموکرات‌ها می‌کوشند

احیای سنت‌های بلشویسم را در این زمینه پایه و اساس برنامه خود قرار داد. برخی از شوروی‌شناسان و روس‌شناسان تحول از کمونیسم به دموکراسی در روسیه را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر یافتند، در حالی که برخی دیگر به میراث دوران تزاری و دوران اتحاد شوروی اشاره دارند. دست‌یابی

در حالی که دموکرات‌ها می‌کوشند توده‌های روسی را به شهروندان روسی تبدیل کنند، جناح راست به «ملت روسی» توجه داشته است. برای بسیاری از گروه‌های میهن‌پرست که در جناح راست قرار می‌گیرند، نابودی اتحاد شوروی نباید به مفهوم از میان رفتن قلمرو پهناور روسیه تلقی شود. از دیدگاه آنان، مرزهای کنونی روسیه با مرزهای تاریخی آن مطابقت ندارد. دولت‌گرایان نیز به اقتدار متمرکز دولتی توجه دارند. آن‌ها تقویت بنیه صنعتی - نظامی روسیه را مورد تأکید قرار می‌دهند.

توده‌های روسی را به شهروندان روسی تبدیل کنند، جناح راست به «ملت روسی» توجه داشته است. برای بسیاری از گروه‌های میهن‌پرست که در جناح راست قرار می‌گیرند، نابودی اتحاد شوروی نباید به مفهوم از میان رفتن قلمرو پهناور روسیه تلقی شود. از دیدگاه آنان، مرزهای کنونی روسیه با مرزهای تاریخی آن مطابقت ندارد. دولت‌گرایان نیز به اقتدار متمرکز دولتی توجه دارند. آن‌ها تقویت بنیه صنعتی - نظامی روسیه را مورد تأکید قرار می‌دهند.

دموکرات‌ها را به حکومت در روسیه نباید با برقراری دموکراسی اشتباه گرفت. فروپاشی نظام کمونیستی نباید به‌طور حتم به مفهوم تحقق دموکراسی در روسیه تلقی شود. تحولات پس از استقلال فدراسیون روسیه که در کتاب سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه مورد بررسی قرار گرفته، شاهدهی بر این مدعا است. ضعف نهادهای دولتی در روسیه ناشی از رشد سازوکارهای دیگر، آن‌گونه که در جوامع مدنی وجود دارد، نبود. در فدراسیون روسیه پس از نابودی ساختارهای رسمی

تجزیه و نابودی اتحاد شوروی برای بسیاری از تحلیل‌گران، آغازی برای شکل‌گیری ساختارهای جدید در این منطقه برآورد شده بود. رهبران اصلاح‌گرای غرب‌باور در روسیه و حامیان اروپایی و امریکایی آن‌ها به این باور گراییده بودند که روسیه قادر به جذب و هضم ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک غربی است. یلتسین و اطرافیان او درصدد بودند عقب‌مانده‌گی‌های گوناگون و گسترده روسیه نسبت به غرب را با کمک آنان پایان بخشند.



آن‌ها در پی ایجاد نظامی جدید مبتنی بر پذیرش مؤلفه‌های نظام‌های دموکراتیک غربی، تلاش خود را آغاز کردند. ولی آنچه در سال‌های پس از فروپاشی در عرصه سیاست داخلی و خارجی فدراسیون روسیه شکل گرفته، در راستای هویت تاریخی - فرهنگی - سیاسی این کشور بوده که در طول دوران روسیه تزاری و اتحاد شوروی نیز در اشکال گوناگون تداوم یافت. البته تحولات بین‌المللی و روندهای جدید کنونی، تأثیر عمیقی بر جریانات داخلی روسیه دارد، ولی نفوذهای سنتی و تاریخی را نباید کم‌اهمیت تلقی کرد.

با توجه به نابودی زمینه‌های رشد نهادهای مدنی در دوران اتحاد شوروی، پس از فروپاشی آن نیز توسعه نهادهای دموکراتیک با دشواری‌های قابل توجهی روبه‌رو بوده است. رشد مافیای قدرت که عرصه‌های سیاسی - اقتصادی را تحت کنترل خود قرار داده، از موارد مهم قابل توجه در دوران پس از استقلال فدراسیون روسیه بوده است. فعالیت‌های گسترده مافیای قدرت اقتصادی و سیاسی در روسیه، هرچند با روی کار آمدن پوتین دچار مشکلات جدی شد، ولی به‌دلیل نفوذ عمیق خود در این ساختارها، هم‌چنان از عناصر مؤثر در تحولات داخلی و خارجی این کشور است، که به‌نوبه خود مشکلات اجتماعی را تشدید کرده است. برای درک فرآیندهای سیاسی کنونی در

پرتو نادری در وسط امرِ «نوشتن شعر»

یعقوب یسنا

بخش پنجم و پایانی

گفت‌وگو با طبیعت

برآمد ماهتاب از سوی خاور
حریر روشن خورشید در بر
درخت روشنی روید از آب
سراسر آسمان را سایه‌گستر
تو گویی دختر زیبای مشرق
درون آب کوثر شد شناور

...
دو دست کهکشان از سکه لبریز
دکان آسمان پُر سیم و پُر زر
زند چشمک ز هر سویی ستاره
گسسته یا که آنجا هار دلبر
بسپط آسمان چون باغ نرگس
دماغ نوریان باشد معطر
ستاره در فضا گویی که بر آب
شده از نسترن صد باغ پرپر
ز چتر آبگون گاهی شهابی
همی آید فرو مانند اژدر
پریده رنگ شب از هیبت ماه
چو محکومی پیشیمان پیش داور
مگر مه حجت از خورشید آورد
که بام آسمان را ساخت منبر

... (و گریه صد قرن در گلو دارم/ به نامت دست افشانند بهاران/ ۹)

بین طبیعت و هنر، بین طبیعت و ادبیات، و بین طبیعت و شعر، رابطه بنیادینی برقرار است. بنا به درک همین رابطه بود که افلاتون، شعر را تقلیدی از طبیعت دانست. در حالی که شعر، تقلید از طبیعت نه؛ بلکه احیای هنرمندانه طبیعت در زبان است. این احیا به طبیعت امکان می‌دهد تا هم چون معرفتی برای بشر درک‌شدنی شود. ارسطو رابطه بین طبیعت و شعر را به‌درستی درک کرد و رابطه بین شعر و طبیعت را رابطه محاکاتی دانست. رابطه محاکاتی، رابطه‌ی ست دوسویه بین طبیعت و شعر.

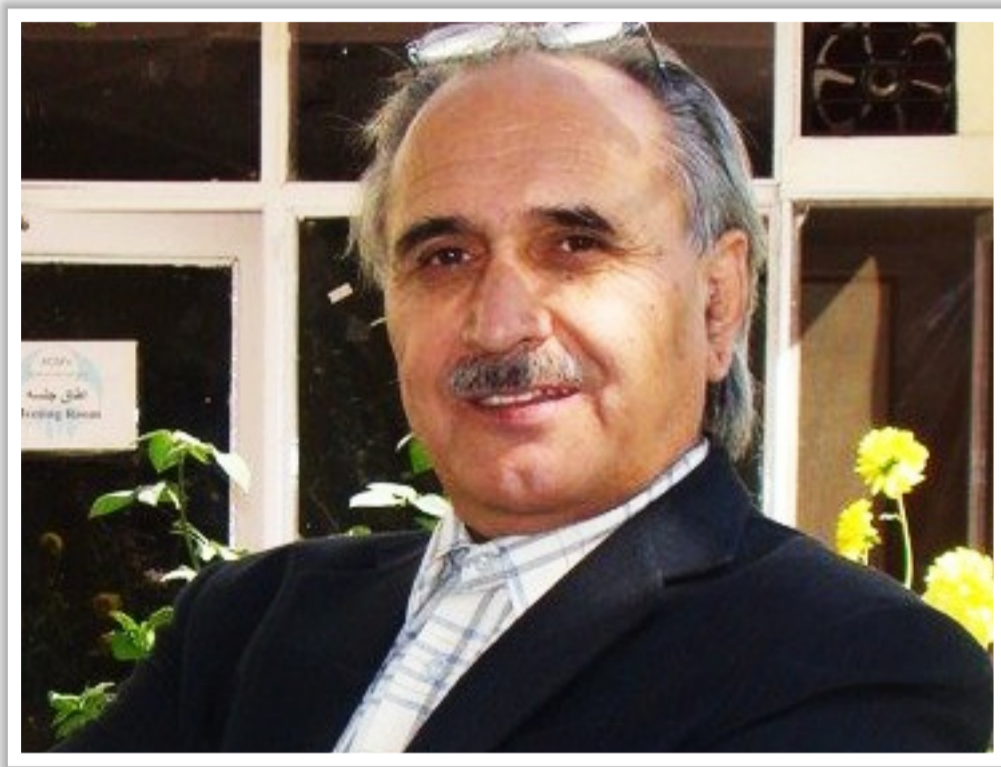
شعر فارسی از آغاز رابطه هنرمندانه‌ی با طبیعت داشته، که دوره یا سبک خراسانی، بیان آغاز رابطه شعر فارسی با طبیعت است. در این دوره شعری، طبیعت با نشاط و سرزنده‌گی تمام در شعر فارسی بازتاب یافته است، و این بازتاب یافته‌گی تاهنوز با شعر فارسی رابطه دارد.

طبیعت در شعرهای پرتو نادری هم از نظر واقعیت طبیعی‌اش و هم از نظر رابطه با کل زنده‌گی، برخوردار از اهمیتی ویژه است. طبیعت با نشاط و فریبایی تمام در شعر، بازتاب می‌یابد و توصیف طبیعت هم چون دانایی‌ی در ذهن خواننده می‌ماند: در سینه‌ی کبود و فریبای آسمان پر می‌زند کبوتر سیمین ماهتاب می‌خندد اختران فروزنده سپهر

خط می‌کشد شهاب در آن آبی بلند
چون رگه‌های زر که شگوفد ز لاژورد
آوا کنان به سوی افق می‌رود به پیش
مرغان پرگشوده آزاد شب‌نورد

... (سوگ‌نامه‌ی برای تاک/ دریاچه‌های نور/ ۱۱)

بین طبیعت و شعر هم از نظر توصیف طبیعت در شعر، و هم با استفاده از نشانه‌های طبیعت به عنوان نماد و سمبول برای آرایه مفهوم‌ها و رویدادهای انسانی، رابطه برقرار شده است. شاعر با نمادین کردن نشانه‌های طبیعی، طبیعت را به مفهوم‌های انسانی نزدیک کرده است، و جابه‌جایی



پرتو نادری، معمولاً انسانی‌ست خوش‌زبان و خوش‌برخورد؛ اما گاهی که سوگ‌نامه‌ی برای تاک می‌خواند و از می‌خانه‌های شرق می‌آید، بدزبان می‌شود. این بدزبانی‌اش هم شوری شیرین دارد. پرتو، اهل قصه و شعر خواندن و گفت‌وگو است، و بیشتر علاقه دارد شعرهای خودش را بخواند؛ گاهی هم علاقه دارد همش از خود بگوید و هیچ کسی را نگذارد که سخن بگوید، می‌خواهد دیگران شنونده باشند

بسیار هنرمندانه‌ی بین نشانه‌های طبیعی هم چون نماد و سمبول با رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده است:

من از می‌خانه‌های شرق می‌آیم خم‌آلود

و می‌دانم

که آنجا دختر گیسو کمند تاک را بر خاک بسپردند

و می‌دانم که آنجا واژه ساغر

شراب روشن مفهوم خود را ریخته بر خاک

در می‌خانه‌ها بسته

دل می‌خواه‌گان غمناک

...

(سوگ‌نامه‌ی برای تاک/ ۴۴)

ستاره‌ی در آن سوی غروب

بامداد می‌شود

و مرگ

روسیاهی بزرگش را

طبل می‌زند

(دهکده بی‌بامداد/ سرنوشت/ ۲۰)

...

و خاموشی بر دریا چیره شود؛

و ذهن من

مروارید آفتاب را

در دامان آب‌های غروب رها کند.

(دهان خون‌آلود آزادی/ بام بلند شرطه/ ۱۰)

شب بازوان برهنه‌اش را

دور کردن من حلقه کرده است

و لبان سیاهش

مُهر سکوت روی لبان من نهاده است

و فریاد در ازدحام کوچه‌های حادثه

اضطراب انفجار لحظه‌های سرخ را

از یاد برده است

...

(تصویر بزرگ، آیینۀ کوچک/ در افق تبعید/ ۷۹)

داوری‌ی نه چندان کامل در پایان این خوانش داوری درباره شعر، شخص یا هر امر دیگر، اهمیتی ندارد؛ برای این‌که داور می‌خواهد ارزش‌ها یا پیش‌فرض‌های ارزشی ذهنی خودش را بر شعر یا شخص تحمیل کند. این تحمیل شدن پیش‌فرض ارزشی داور بر شخصیت شخص و دانایی شعر، شخص و شعر را دچار تقلیل‌یابی می‌کند. اما برخورد داورمنشانه من در این بخش نوشتار، بیشتر یک یادمان است؛ یادمان انسانی از انسانی؛ یادمانی برای آشنایی و قصه کردن و دیدارها؛ دیدارهایی که رفتند یادی شدند، شاید در ذهن‌های مان؛ و این یادها را تا زنده‌ایم می‌توانیم به یاد آوریم؛ و وقتی که نیستیم، بادی می‌شوند در مغاک فراموشی هستی‌ی که نیست شده است.

پرتو نادری، مردی بلندبالا، آراسته، خوش‌تیپ و خندان است. اما آن سوی این ظاهر، می‌توان انسانی نسبتاً اندوهگین را نیز دریافت؛ انسانی که شاید احساس می‌کند پشت انسان به جایی بیرون از خود انسان تکیه‌گاهی ندارد. شاید درک این بی‌تکیه‌گاهی، به پرتو نادری حس دل‌شوره‌گی می‌بخشد؛ دل‌شوره‌گی‌ی که رنج را باید تحمل کند یا گاهی با شعری، با دیدار دوستی و با پرتاب کردن خودش به وضعیتی (به گفته عارفان رفتن به حال یا به گفته رهنود زریاب زیستن در عوالم) احساس این دل‌شوره‌گی را درخودش کتمان کند و گویا نشان بدهد که پشت انسان به جایی بزرگ‌تر از خودش تکیه‌گاهی دارد.

پرتو نادری، معمولاً انسانی‌ست خوش‌زبان و خوش‌برخورد؛ اما گاهی که سوگ‌نامه‌ی برای تاک می‌خواند و از می‌خانه‌های شرق می‌آید، بدزبان می‌شود. این بدزبانی‌اش هم شوری شیرین دارد. پرتو، اهل قصه و شعر خواندن و گفت‌وگو است، و بیشتر علاقه دارد شعرهای خودش را بخواند؛ گاهی هم علاقه دارد همش از خود بگوید و هیچ کسی را نگذارد که سخن بگوید، می‌خواهد

دیگران شنونده باشند. پرتو نادری در قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، نیمایی، کوتاه، و قالب‌های آزاد شعر گفته است. در غزل، مثنوی و قصیده، زبان پخته و باتمکین دارد؛ البته در قصیده سرآمد است، امکان‌های ممکن را می‌توان در قصیده‌سرایی‌اش تصور کرد که منوچهری و ناصر خسرو را به یاد آدم می‌آورد. بنا به ارزش‌های روزگار و شعر معاصر، پرتو نادری دست از قالب‌های کلاسیک برداشته و به شعر نیمایی، شاملویی و کوتاه روی آورده است. پرتو در سرایش گونه‌های شعر معاصر، به نظر من بیشترین قدرت را در سرایش شعر نیمایی داشته است؛ حتا ظرافت‌ها و امکان‌های شعر نیمایی در شعرهای شاملویی و شعر کوتاه پرتو نیز قابل مشاهد است، یعنی این‌که رویکرد زیبایی‌شناسی شعرهای شاملویی، مثنوی و کوتاه‌های ایشان نیز نیمایی است. زبان شعر نیمایی پرتو؛ زبانی فاخر، باشکوه، نمادین و سمبولی و کهن‌الگوگراست، و با زبان اخوان ثالث، واصف باختری و لطیف ناظمی و... همسو است. محتوای شعرهای پرتو در کل و به طور خاص محتوای شعرهای نیمایی‌اش، حماسی است تا عاشقانه و تغزلی.

رابطه‌های بینامتنی‌ی که دریافت معاصر از شناخت متن است و به متن‌های گذشته امکان می‌دهد تا حضور تحولی خویش را در متن‌های بعد از خودش ببیند و به متن‌های بعد از خودش هویت زیبایی‌شناسانه و هستی‌شناسانه بدهد؛ این تحول متن‌های گذشته یا متن‌های معاصر، در متنی فراتر از اراده نویسنده و شاعر، می‌تواند اتفاق بیفتد. از نظر رابطه بینامتنی؛ زمینه‌های بینامتنی شعرهای پرتو را می‌توان با شعرهای نادر نادرپور، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و واصف باختری دریافت. در ضمن، شعرهای پرتو رابطه بینامتنی متعدد و متنوع با متن‌های کلاسیک از جمله با مولانا، ناصر خسرو، حافظ، شاهنامه، حتا با اوستا و متن‌های مقدس سامی نیز دارد؛ که این همه رابطه بینامتنی، هستی‌شناسی شعرهای پرتو را وسعت بخشیده است، و نشان می‌دهد که شاعر بر ادبیات و متن‌های پارسی و ایرانی به طور خاص تسلط دارد، و با ادبیات جهان به طور عام آشنایی دارد.

پرتو نادری، متن چشم‌گیری را هم از نظر حجم و هم از نظر امکان‌های شعر خلق کرده است. اگر نگوییم در ادبیات چهل‌ساله افغانستان بیشترین متن را خلق کرده است؛ می‌توانم بگویم که در جمعی کسانی‌ست که در خلق متن در ردیف نخست قرار دارند.

تنها شعرهای پرتو نادری می‌تواند بیشتر از شش‌صد صفحه شود؛ که این اندازه، متنی‌ست چشم‌گیر و قابل سنجش در ادبیات افغانستان و ادبیات پارسی دری.

از آن‌جایی که دسته‌بندی کردن ارزشی شعرهای یک شاعر، ارتباط می‌گیرد به پژوهش انتقادی کل یک جریان و دوره شعری، از این نظر که شعرها متعلق به کدام زمان و متعلق به کدام محتوا، قالب و گونه شعری است، و در این گونه بررسی، کار گروهی از شاعران در کنار هم در کتابی ارزش‌یابی می‌شود و امکان‌های ادبی، زبان و محتوایی شعر شاعران مستند به متن‌های شعری‌شان ارزیابی می‌شود، و در نهایت، دسته‌بندی تحلیلی از این بررسی می‌تواند آرایه شود، و کار هر شاعر در یک دوره یا یک جریان شعری، با امکان‌هایی که دارد، در دوره و جریانی دسته‌بندی و ردیف می‌شود که در کدام دسته و در کدام ردیف می‌تواند قرار بگیرد. البته این دسته‌بندی کردن و ردیف کردن هم مطلق نیست؛ زیرا هر منتقد با دیدگاه خودش و با ارزش‌گذاری‌ی که خودش از شعر دارد؛ این دسته‌بندی و ردیف کردن را انجام می‌دهد.

این نوشتار که قصد چشم‌اندازی فراتر از شعرهای پرتو نادری را نداشته؛ در پی این داوری نیز نیست که کارهای پرتو نادری را در یک دوره یا جریان شعری، از نظر ارزشی دسته‌بندی و ردیف کند؛ می‌گذاریم این کار به دست منتقدی انجام شود که روزی جریان‌ها و دوره‌های شعر معاصر افغانستان را کامل‌تر ارزیابی تحلیلی کند، مانند کاری که رضا برهنی، محمد حقوقی، شمس لنگرودی، قیصر امین‌پور، و دیگران برای ادبیات شعری ایران انجام داده‌اند.

برخی نماینده گان مجلس:

در لویه جرگه غیرقانونی شرکت نمی کنیم!

هارون مجیدی

برخی نماینده گان مجلس می گویند که تصمیم گیری در باره توافق نامه امنیتی با ایالات متحده امریکا، از صلاحیت های شورای ملی است، بنابراین، در «جرگه غیرقانونی حکومت» اشتراک نخواهند کرد.

این نماینده گان مجلس همچنان می گویند که زمینه برگزاری لویه جرگه یی که در قانون اساسی بیان شده است، وجود ندارد و هرگونه تصمیم گیری این جرگه در موجودیت مجلس منبای قانونی و اجرایی ندارد.

فرهاد مجیدی عضو مجلس نماینده گان می گوید: «برگزاری لویه جرگه احترام نگذاشتن به قانون است و قانون شکنی محسوب می شود؛ حکومت با این کار به چشم مردم خاک می زند و افکار عامه را به بیراهه می کشاند.»

او می افزاید، هیچ نوع فیصله یی این جرگه مشروعیت قانونی ندارد و برگزاری این جرگه هم ضایع شدن وقت، پول و سرمایه ملی مردم است.

او با اشاره به امتیاز گیری های حکومت از امضای این پیمان می گوید: «فکر می کنم مراحلی که نیاز به مشوره مردم بود، آن را دولت انجام داده است و امتیازهای خود را از آن به دست

آورده است و حالا تلاش می کند که نشان بدهد که این همه کارها را برای مردم افغانستان انجام می دهد.»

او می افزاید، نماینده گان مردم افغانستان با بیداری تمام از این موضوع آگاه هستند و فریب آن را نمی خورند.

فرهاد مجیدی همچنان می گوید: «با صحبت هایی که با هیات اداری و شمار دیگری از نماینده گان مردم در مجلس داشته ایم، آنها حاضر نیستند تا در این جرگه شرکت کنند.»

این عضو مجلس با تأکید می گوید، در چند سال گذشته تیم حاکم در صدد این بوده است تا امتیازهای خود را از شرکای جهانی به دست بیاورد، در بعضی موارد در بینشان اختلافات و بی باوری های نیز موجود بوده است، از آن شمار یکی هم پشتیبانی از تیم بعدی که حکومت خواستار آن است.

او می گوید، کشورهای خارجی در حال حاضر در تلاش هستند تا با حکومتی که در نتیجه انتخابات به میان می آید، همکاری های بیشتری داشته باشند.

در عین حال، شاه گل رضایی عضو دیگر مجلس نیز برگزاری لویه جرگه را در شرایط حاضر مغایر با قانون اساسی خوانده می گوید،

مقامات حکومتی در...

و به ارگان های مختلف می پردازد. او تصریح کرد، شماری از اعضای شورای ملی و مقامات بلند پایه حکومتی با کسانیکه در شاهرها اخاذی می کند و یا با کسانیکه در کمرگات از تاجران رشوه می گیرند، شریک اند.

به باور معاون اتاق های تجارت، پولیس و سایر ارگان هایی که وظایف اصلی آنان مطابق قانون مشخص و روشن است، مسوولیت ها و وظایفشان رها کرده و به طرف کمرگاها یوریش برده اند.

او تأکید کرد، ادارات متعددی در پروسه اخذ مالیات شریک شده و سبب شدند که زمینه فساد فراهم شود؛ بنابراین زمینه ساز اصلی فساد و اخاذی در شاهرها خود دولت است.

الگوزی افزود، از یک سو دولت نرخ تعرفه ها را افزایش می دهد و از طرف دیگر اخاذی ها بی نهایت افزایش یافته که تمام این موارد سبب افزایش بهای

نرخ مواد اولیه در بازارها گردیده که خساره آن را مردم فقیر می پردازد.

در همین حال، دکتر سید مسعود استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل می گوید، متأسفانه در افغانستان به اضافه مالیات بر جاده، اخاذی در شاهرها سبب شده تا مصارف تمام شد برای یک تاجر بلند برود و بالاخره سبب افزایش نرخ مواد اولیه در بازار گردد.

به گفته این استاد دانشگاه، هیچ کسی جرأت اخاذی را ندارد؛ مگر اینکه وابسته گی به مقامات بلند پایه حکومتی داشته باشند.

وی افزود، کسانی که اخاذی می کنند در نظام شریک هستند و از سویی هم، تاجران بسیار به ساده گی تسلیم می شوند و پول را به اخاذان می پردازند؛ اما در عوض مواد را به قیمت بلند می فروشند که تاوان آن را مردم فقیر می پردازد.

این استاد دانشگاه همچنان گفت، اگر جلو این

پاکستان مسیر ارسال...

منطقه وزیرستان شمالی در مرز افغانستان اعلام کرد، در روابط با آمریکا تجدید نظر خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کنفرانسی خبری گفت: من اطمینان دارم مقامات پاکستانی مسیرهای ارسال تدارکات به

۴۰۰ سرباز ما...

امنیتی و دفاعی افغانستان امریکا، ما هم برای مشخص ساختن محل بود و باش سربازان خود تفاهنامه یی را امضا می کنیم.»

به گفته فلیپ، آسترالیا در پلان دارد که این چهار صد سربازش را تا سال های ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۶ میلادی در افغانستان داشته باشد.

وی گفت، این سربازان آسترالیایی مانند سربازان ناتو که پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی می ماندند، در بخش آموزش و حمایت از نیروهای امنیتی افغان کار می کنند و نقش جنگی نخواهند داشت.

در حال حاضر آسترالیا یک هزار و دوصد سرباز نظامی در چوکات ایساف افغانستان دارد که یک تعداد زیاد آنان در ولایت ارزگان مستقر اند.

به اساس توافق قبلی میان حکومت افغانستان و جامعه جهانی، قرار است تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی یک بخش

در باره قانون تدارکات...

در منطقه هستند.»

آقای زاخیلوال افزود که به هدف هماهنگی و سرعت بخشیدن به کار پروژه های انکشافی نیاز است تا در قانون تدارکات تجدید نظر صورت گیرد و این قانون تا حد زیاد با معیارهای جهانی ترتیب شود.

مصرف نشدن کامل بودجه های عادی و انکشافی، یکی از چالش هایی است که هر ساله حکومت با آن دست و پنجه نرم می کند.

وزیر مالیه می گوید که نواقص در قانون تدارکات مهمترین دلیل این مشکل است که آنها در تلاش حل آن هستند.

سید یوسف حلیم معاون وزارت عدلیه می گوید که مشکلاتی در قانون تدارکات در زمان اجرا وجود دارد.

به گفته وی، اکنون کار برای تعدیل این قانون جریان دارد و نظریات مطرح شده در نشست امروزی نیز در این تغییرات شامل خواهد شد.

او از غیرمرکزی شدن صلاحیت ها برای تدارکات، به عنوان یکی از مهمترین تغییراتی که در این قانون خواهد آمد، یاد کرد.

آقای حلیم گفت که به اساس تعدیلاتی که در قانون خواهد آمد، والیان به اندازه وزیر و روسای ادارات مرکزی، در بخش تدارکات پروژه ها صلاحیت خواهند داشت.

او می گوید که پس از تصویب این تعدیلات در شورای وزیران، این قانون به شورای ملی فرستاده خواهد شد.

قانون تدارکات

قانون تدارکات عامه که در آن چگونگی عقد قراردادهای بزرگ بازسازی و انکشافی به جزئیات روشن شده، در اکتبر ۲۰۰۵ میلادی به تصویب رسیده است.

این قانون دو بار طی فرمان رییس جمهوری تعدیل شده است و سه بار از سوی وزارت های عدلیه، مالیه، اداره تفتیش مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است.

اکنون نیز این قانون به اساس فرمان رییس جمهوری زیر بررسی برای تعدیل قرار گرفته است.

افغانستان طی دوازده سال گذشته از میلیاردها دلار کمک جامعه جهانی در بخش بازسازی و پروژه های انکشافی بهره برده اما حالا مقامهای افغان تلاش دارند برای موثریت بیشتر این کمک ها هماهنگی ها و شفافیت را با تعدیل قانون تدارکات بیشتر سازند.

صلح و توسعه افغانستان...

شده نمی تواند، این واضح است که زنان به تقویت نیاز دارند که ما باید همه برای آن تلاش نماییم، اما خشونت علیه زنان و عدم اعاده حقوق آنان به حیث چالشی بزرگی در برابر انکشاف صلح در افغانستان قرار دارد.»

اتحادیه اروپا در افغانستان از سال ۲۰۰۵ بدینسو در بخش ظرفیت سازی و اعاده حقوق زنان در این کشور همکاری کرده است.

توجه به مسایل حقوقی، حمایت از قربانیان خشونت، ایجاد مراکز برای این قربانیان، مشوره دهی روانی برای زنان و تقویت آنان در سهم گیری در فعالیت های سیاسی از مسایل اند که در محراق توجه این اتحادیه در افغانستان قرار داشته است.

این مسوول اتحادیه اروپا در افغانستان از تعهد ادامه کمک ها در بخش توانمندی سازی زنان اطمینان داد.

در این حال، وزارت امور زنان افغانستان از کشورهای کمک کننده خواست تا جهت رشد بهتر زنان و رفع مشکلات آنان پروژه های دراز مدت را در این کشور عملی نمایند.

حسن بانو غضنفر که در نشست توانمندسازی زنان در کابل حضور داشت، گفت که تطبیق پروژه های دراز مدت می تواند به خود کفا شدن و بلند بردن ظرفیت زنان کمک کند.

اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا چندی قبل اعلام کرد که به هدف تقویت نقش زنان در آینده سیاسی و اقتصادی افغانستان دوصد میلیون دلار را اختصاص داده است.

این اداره گفته است که برنامه پنج ساله را راه اندازی می کند که در پرتو آن نقش زنان در آینده افغانستان تضمین خواهد شد.

اما نگرانی های در خصوص از میان رفتن دستاورد های ۱۰ ساله زنان پس خروج نیروهای بین المللی از افغانستان وجود دارند.

این که حکومت آینده افغانستان تا چه حد می تواند این دستاورد ها را حفظ نموده و انکشاف دهد پس از سال ۲۰۱۴ میلادی معلوم خواهد شد.

مطابق به قانون اساسی رییس جمهور صلاحیت دارد تا در مواردی با مردم مشوره داشته باشد.

شاه رضایی می افزاید: «هرگاه این نشست های مشورتی تبدیل شود به لویه جرگه که در قانون اساسی از آن تعریف صورت گرفته است، تا نماینده گان ولسوالی ها و روسای شورای ولایتی با نماینده گان مردم در مجلس باید در آن حضور داشته باشند؛ چون تا حال انتخابات شوراهای ولسوالی ها صورت نگرفته و ۳۶۵ نفری که باید به نماینده گی از ولسوالی ها حضور داشته باشند، غیر قانونی است.»

این عضو مجلس همچنان می گوید: «در قانون اساسی صلاحیت های شورای ملی کاملاً روشن شده است که امضا و تصدیق پیمان ها و میثاق ها از صلاحیت های شورای ملی است.»

این عضو مجلس با تأکید می گوید که برگزاری هرگونه لویه جرگه یی فعلاً قانونی نیست و نباید برگزار گردد.

شاه گل رضایی همچنان افزود که در هفته آینده بحث لویه جرگه شامل آجندا خواهد بود و روی آن مجلس نماینده گان تصمیم خواهد گرفت.

جرگه مشورتی قرار است به تاریخ ۲۵ عقرب برگزار شود.

اخاذی ها گرفته نشود، زمستان امسال ما شاهد افزایش بی سابقه نرخ مواد اولیه در بازارها خواهیم بود.

به گفته استاد مسعود، اخاذی در شاهرها که سبب افزایش نرخ در بازار می شود، ناباورهای سیاسی را در پی دارد که عدم جدید دولت در این راستا را نشان می دهد.

او تأکید کرد، در کشورهای پس از جنگ، مانند افغانستان، سطح زنده گی مردم وابسته به قیمت مواد اولیه است که اگر قیمت مواد اولیه کاهش یابد، باور ایجاد می شود؛ اما اگر نرخ ها بلند برود، ناباورهایی ایجاد می شود و این مساله ناباورهای سیاسی در پی دارد.

گفته می شود که قیمت مواد اولیه و مواد سوخت با فرا رسیدن زمستان افزایش چشم گیری یافته و مشکلات زیادی را برای خانواده های فقیر و نادار ایجاد کرده است.

واکنش به این حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا به خاک کشورشان خواستار شده اند.

پاکستان مهم ترین مسیر ارسال تجهیزات و تدارکات برای نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان به شمار می رود. مسدود شدن این مسیر ارسال تدارکاتی برای آمریکا به شدت مشکل ساز خواهد بود؛ آن هم در حالی که نیروهای غربی آماده می شوند تا پایان سال آینده افغانستان را ترک کنند.

است و تلاش داریم تا یک مقدار وسایل نظامی در این زمینه را به زودی در اختیار این نیروهای نیز قرار بدهیم و این وسایل به نیروهای امنیتی افغان بسیار کمک می کنند و ما روی همین مساله زیاد توجه داریم.»

حکومت افغانستان یگانه دلیل افزایش تلفات در میان نیروهای امنیتی افغان را انفجار ماین های کنار جاده عنوان کرده است.

به اساس گزارش ها ظرف هشت ماه گذشته نیروهای امنیتی افغان بیش از هشتاد درصد مسوولیت تامین امنیت نفوس کشور و رهبری جنگ با مخالفین مسلح را بر عهده گرفته اند.

مقام های افغان می گویند که در این مدت همه روز بین ۱۰ تا بیست تن از نیروهای امنیتی افغان در نتیجه انفجار ماین و جنگ با مخالفین مسلح کشته شده اند.

کارشناسان مسایل نظامی می گویند که اگر جامعه جهانی به این مشکل توجه جدی نکند، ممکن پس از سال ۲۰۱۴ میلادی نیروهای امنیتی افغان به تنهایی نتوانند در جنگ با مخالفین مسلح و تامین امنیت مردم پیروز شوند.



نامه آورده:

به ریاست محترم شهرداری کابل و قابل توجه

ریاست محترم حفظ و مراقبت مکروریانها!



موضوع: عدم فعالیت عادی مرکز گرمی ها در سال ۱۳۹۱
محصول مرکز گرمی اپارتمان های دواتاقه در سال ۱۳۸۹، ۸۸۱۳، ۱۳۹۰، مبلغ ۱۵۸۸۵ گردیده؛ اما در سال ۱۳۹۰، مبلغ ۱۵۸۸۵ افغانی به عنوان محصول اخذ شده است که علت آن شاید تغییر دستگاه به سیستم گازی و غیره عوامل باشد.
طبق لایحه زمستانی تسخین مرکز گرمی ها باید از ۱۵ قوس الی ۱۵ حوت بدون وقفه فعال باشد؛ اما نبود برق در اوقات مختلف شب و روزی، باعث پرچاوی مرکز گرمی ها می گردد. مثلاً در سال ۱۳۹۱ پرچاوی ها طور ذیل یادداشت شده است:
۱- از ۱۵ قوس الی ۲۰ قوس، ۶ روز غیرفعال بوده که معادل ۱۴۴ ساعت می شود.
۲- ۲۷ قوس نسبت نبودن برق از ساعت ۶ نیم تا ۲ نیم شب: ۸ ساعت
۳- ۲۸ قوس از ساعت ۱۰ بعد از ظهر تا ۵ و ۳۰ شام: ۴ ساعت

۴- ۲۹ قوس از ساعت ۱۰ دقیقه بعد از ظهر تا ۵ شام: ۴ ساعت
۵- ۵ جدی از ساعت ۶ و سی شام تا ۸ سی شام: ۲ ساعت
۶- ۱۲ جدی از ساعت ۴ و ۲۵ بعد از ظهر تا ۹ شب: ۵ ساعت
۷- ۱۳ جدی از ساعت ۱۲ ظهر تا ۵ عصر: ۵ ساعت
۸- بازهم ۱۳ جدی از ساعت ۹ و ۳۰ شب تا ۲ و ۳۰ شب: ۵ ساعت
۹- ۱۴ جدی از ساعت ۱۰ و ۳۰ قبل از ظهر تا ۳ و ۳۰: ۵ ساعت
تمام پرچاوی ها در مجموع ۱۸۲ ساعت می شود. اکنون اگر مبلغ ۱۵۸۸۵ افغانی را تقسیم بر ۹۰ روز (۳ ماه) و بعد، مصرف یک ساعت را معلوم کنیم، در این صورت در یک ساعت مبلغ ۷/۳۵ افغانی می شود. و اگر این مبلغ ناچیز را ضرب ۱۸۲ ساعت نماییم، مبلغ ۱۳۳۷ افغانی می شود.
اما اگر این مبلغ را که از یک اپارتمان

می شود، ضرب ۱ یا ۲ یا ۳ یا ۴ و یا ۵ اتاق نماییم، آیا میلیون ها افغانی اضافه ستانی نمی شود.
در پایان می خواهم نظر خویش را در این مورد ابراز نمایم:
۱- اول عقرب همه ساله مقدار ضرورت سه ماهه گاز و غیره روغنات باید در دستگاه مربوطه موجود باشد.
۲- قبل از اول قوس الی ۱۵ قوس موضوع هواکشی و غیره ترمیمات حل و فصل گردد.
۳- از ۱۵ قوس الی ۱۵ حوت مرکز گرمی ها باید بدون وقفه فعالیت داشته باشند، در غیر این صورت روزهای غیرفعال مرکز گرمی ها یادداشت و در وقت محاسبه و محصول گیری، از اصل محصول کسر گردد.

با احترام
انجنیر غلام سخی توخی
باشنده مکروریان سوم

زمان مناسب کشتن...

هم زمان اتفاق افتادند، می تواند به شکلی پیوند داشته باشد. نخست گرفتاری لطیف الله محسود که مشخص نیست به چه اهدافی وارد افغانستان شده بود، و دیگر گفت و گوهای سه جانبه چند روز پیش لندن که با شرکت مقام های افغانستان، پاکستان و بریتانیا انجام شد.
مقام های کشور به گونه هایی تا به امروز، گرفتاری لطیف الله محسود را در حالی که از ابهام نگه داشته اند. برخی از این مقام ها به شکل غیر رسمی گفته اند که لطیف الله محسود برای آغاز گفت و گوهای صلح میان طالبان و دولت افغانستان، به این کشور وارد شده بود. ولی هیچ سند دقیقی در دست نیست که از چنین نیت این عضو مهم گروه طالبان پاکستانی خبر دهد. در ضمن این را هم نباید فراموش کرد که پاکستانی ها نیز گاهی برای نشان دادن حسن نیت به حامیان بین المللی خود، دست به چنین قربانی هایی می زنند. حالا پس از اظهارات و تأسف آقای کرزی نسبت به کشته شدن حکیم الله محسود، می توان به چنین نتایجی دست یافت. نخست این که پاکستانی ها در یافتن محل بودوباش او به نیروهای امریکایی کمک کرده اند. دلیل این امر هم می تواند تلاش برای عادی سازی روابط میان پاکستان و واشنگتن - که از مدت ها به این سو وارد مراحل تنش زا شده - باشد. از جانب دیگر، شاید هم پاکستانی ها حس کرده باشند که حکیم الله محسود دیگر آن مهره قابل اعتماد برای شان بوده نمی تواند و به همین دلیل زمینه نابودی او را فراهم کرده اند.

دستگیری لطیف الله محسود برادر حکیم الله در یکی از ولایات کشور، این ظن و گمان ها را تقویت کرد که احتمالاً میان او و دولت افغانستان مسایلی وجود داشته است. همین که آقای کرزی نسبت به کشته شدن حکیم الله نگران است، نشان می دهد که او با این برادران تروریست روابطی داشته و تلاش می کرده که از آن ها در یافتن حداقل نشانی طالبان افغانستان، یاری بجوید. اما آقای کرزی فراموش کرده که برادران محسود هرگز دوست او و دولت افغانستان

نبوده اند و نه هم از آن ها انتظار می رفت که برای تأمین امنیت در افغانستان و منطقه گامی بردارند.

اظهارات آقای کرزی فقط می تواند ضجه های یک سیاست مدار شکست خورده و منزوی را به تصویر بکشد که به جای فکر کردن به منافع ملی کشورش و آن قربانیانی که آماج حملات انسان ستیزانه این گروه ها قرار گرفته اند، در فکر سلامت و نجات قسی القلب ترین جنایت کاران تاریخ است.

هرگونه تأسف و اشک ریختن در مرگ آنانی که دست شان به خون بشریت سرخ است، به معنای حمایت از تروریسم و خشونت است. آقای کرزی اکنون آگاهانه یا ناآگاهانه، خود را در صف حمایت گران جنایات ضد بشری قرار داده است. در ضمن وقتی او می گوید که این زمان برای کشتن این فرد جنایت کار زمان مناسبی نبوده، باید پرسید که از نظر ملوکانه ایشان، چه زمانی برای قطع جنایات این فرد می توانست زمان مناسبی باشد؟ آیا حکیم الله محسود برنامه هایی برای کشتار مردم بی گناه افغانستان داشت که آقای کرزی از آن ها با خبر بود و باید پس از اجرای این برنامه ها،

زمینه از میان برداشتن او فراهم می شد؟! آقای کرزی یا نمی داند چه می گوید و یا این که دانسته از تروریست ها حمایت می کند. زیرا هر گونه ابراز همدردی در مرگ افرادی که دست شان به خون مردم افغانستان و پاکستان آلوده است، به معنای حمایت از اعمال گروه های تندرو و افراطی می تواند تلقی شود. اگر آقای کرزی زمان درست از بین رفتن تروریست را می داند چرا آن را با فرماندهان ناتو در میان نمی گذارد؟ اگر آقای کرزی نسبت به برخوردهای ناتو با تروریست ها مشکوک است، حداقل می تواند جدول زمانی خود را در اختیار رسانه ها بگذارد تا از این طریق، زمان مناسب از میان برداشتن فرماندهان گروه های تروریستی به گوش مردم جهان برسد.

به هر حال آقای کرزی با این سخنان، یک بار دیگر بر زخم های مردم افغانستان نمک پاشید؛ همان گونه که در ده سال گذشته با برادر خواندن طالبان، چنین کرده است.



پله: نيمار در حد مسی نیست

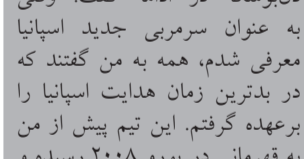


حالا یکی از بهترین بازیکنان جهان است. او تجربه بازیکنانی چون مسی و کریستیانو رونالدو را ندارد و فکر می کند به زودی بتواند خود را به سطح این دو بازیکن برساند.
اسطوره فوتبال برزیل همچنین درباره دیگو کاستا مهاجم برزیلی الاصل آلتنتیکو مادرید که تصمیم گرفت برای تیم ملی اسپانیا بازی کند گفت: فکر می کنم باید به تصمیم او احترام بگذاریم. او دلیل خودش را برای انتخاب اسپانیا داشت و من طرز تفکر او را دوست داشتم. به نظرم او شجاعانه تصمیم گرفت که برای تیم ملی اسپانیا بازی کند. او تلاش کرد تا توضیح دهد در فوتبال برزیل خیلی از او استقبال نشد و به همین خاطر تصمیم گرفت برای تیم ملی اسپانیا بازی کند. فکر می کنم طرز تفکر این بازیکن درست بود و همه ما باید به تصمیم او احترام بگذاریم.

دل بوسکه:

دل بوسکه در ادامه گفت: وقتی به عنوان سرمربی جدید اسپانیا معرفی شدم، همه به من گفتند که در بدترین زمان هدایت اسپانیا را برعهده گرفتم. این تیم پیش از من به قهرمانی در یورو ۲۰۰۸ رسیده و انتظارات از این تیم خیلی بالا رفته بود اما به نظر خودم در بهترین زمان هدایت تیم ملی اسپانیا را برعهده گرفتم. در زمانی که هدایت اسپانیا را بر عهده گرفتم، تیم تازه در اوج قرار گرفته بود و این بهترین زمان برای یک مربی است که کارش را در یک تیم شروع کند.
دل بوسکه درباره شانس قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل گفت: در فوتبال یک چرخه قدرت وجود دارد و هر تیم در یک مقطع به قدرت می رسد. ما باید در جام جهانی بسیار هوشیار باشیم تا از این چرخه خارج نشویم. باید به خودمان ایمان داشته باشیم و نباید خود را از پیش برنده بدانیم و فکر کنیم که بهترین تیم جهان هستیم. اسپانیا در انتخابی جام جهانی ۲۰۱۴ موفق شد به عنوان تیم نخست گروه ۹ بالاتر از فرانسه جواز حضور در جام جهانی برزیل را کسب کند.

فکر نمی کنم حضورم در اسپانیا تکراری شده باشد



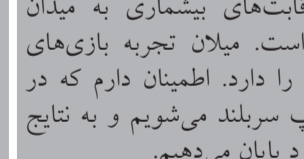
سرمربی تیم ملی اسپانیا امیدوار است قرارداد خود را با تیم ملی اسپانیا پس از جام جهانی ۲۰۱۴ برای دو سال دیگر تمدید کند.
قرارداد ویسته دل بوسکه با تیم ملی اسپانیا پس از جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل به پایان خواهد رسید. سرمربی تیم ملی اسپانیا تمدید قراردادش با تیم ملی اسپانیا گفت: همیشه در فدراسیون فوتبال اسپانیا سیستمی وجود داشته است که قرارداد سرمربی می که تیم را به جام جهانی ببرد تمدید می شود. به همین خاطر به من پیشنهاد شد تا قراردادم را برای ۲ سال دیگر تمدید کنم. البته ممکن است حضور یک مربی در یک تیم پس از چند سال تکراری شود اما برای ما این موضوع مطرح نیست. فکر نمی کنم حضورم در تیم ملی اسپانیا تکراری شده باشد.

کاکا: بارسلونا ما را از بحران خارج می کند



در رقابت های بیشماری به میدان رفته است. میلان تجربه بازی های بزرگ را دارد. اطمینان دارم که در نوکمپ سربلند می شویم و به نتایج بد خود پایان می دهیم.
در دیدار رفت که در ورزشگاه سن سیرو برگزار شد، دو تیم به تساوی یک بر یک رضایت دادند. کاکا در این دیدار در ترکیب اصلی میلان قرار گرفت و تک گل این تیم روی پاس زیبای او رقم خورد. او افزود: نمی خواهم به هواداران میلان قول پیروزی بدهم. تنها می توانم این اطمینان را به آنها بدهم که از شرایط بد کنونی به زودی رها می شویم. میلان نتایج ضعیفی در این فصل گرفته است. تمام تلاش خود را به کار می گیریم تا هر چه سریع تر خود را از این شرایط بحرانی خارج کنیم. در این گروه بارسلونا با هفت امتیاز صدرنشین است. میلان با پنج امتیاز در جایگاه دوم قرار دارد. سلتیک با سه امتیاز سوم است و آژاکس تنها تیم بدون امتیاز است.

کاکا: بارسلونا ما را از بحران خارج می کند



هافبک میلان معتقد است که تیمش با پیروزی برابر بارسلونا از بحران خارج می شود.
میلان در یکی از حساس ترین بازی های چهارشنبه شب مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا در نوکمپ به مصاف بارسلونا می رود. این دیدار در حالی برگزار می شود که تیم پر افتخار میلان در بحران به سر می برد و بدترین نتایج تاریخ خود را کسب کرده است. کاکا، هافبک برزیلی میلان معتقد است که بارسلونا این تیم را از بحران خارج می کند. او گفت: بازی سختی پیش رو داریم. بازی در نوکمپ برابر بارسلونا آسان نیست اما میلان تیم بزرگی است و

Mandegar

دو عضو نهضت اسلامی ازبکستان در کابل بازداشت شدند



ریاست امنیت ملی افغانستان اعلام کرد دو تبعه افغان که عضویت نهضت اسلامی ازبکستان را داشتند در شهر کابل بازداشت شده‌اند.

در خبرنامه ریاست امنیت ملی آمده است که این دو نفر فهیم جان و عبادالله نام دارند که به تریب ساکن ولایت ولسوالی نرخ ولایت میدان وردک در جنوب کابل و کوه صافی ولایت پروان در شمال بوده‌اند.

در این خبرنامه آمده است که این دو عضو جنبش ملی ازبکستان در ناحیه پنجم شهر کابل دستگیر شدند.

ریاست امنیت ملی توضیح داده است که بازداشت شده‌گان در تحقیقات اولیه به اقدامات غیرقانونی خود اعتراف کرده و توضیح داده‌اند که توسط یکی از فعالین نهضت اسلامی ازبکستان بنام هجرت الله جذب این نهضت شدند و به مدت ۴۰ روز دوره آموزش های تروریستی و تخریبی را در منطقه میرامشاه و مهرعلی وزیرستان پاکستان گذراندند.

امنیت ملی تاکید کرده است که این افراد مدتی را به عنوان مسئولان مالی نهضت ازبکستان در شهر کابل فعالیت کرده اند.

به گفته این ریاست، دو فرد بازداشت شده در فعالیت‌های تروریستی، تخریبی و جنگ مسلحانه در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان مشارکت فعال داشته‌اند.

ولسوالی وردوج ولایت بدخشان چندبار میان نیروهای امنیتی افغان و شورشیان مخالف دولت افغانستان دست به دست شدند.

جنبش اسلامی ازبکستان، که معتقد به تأسیس خلافت اسلامی است، از سوی کشورهای منطقه و امریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته است.

گفته می‌شود، اعضای این گروه در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان و در شمال افغانستان فعال هستند و با گروه طالبان و القاعده ارتباط نزدیک دارند.

پاکستان موشک‌های کوتاه‌برد را با موفقیت آزمایش کرد

ارتش پاکستان اعلام کرد روز سه شنبه چهار موشک با برد کوتاه و سطح به سطح را با موفقیت آزمایش کرده است.

سخنگوی ارتش پاکستان اعلام کرد موشک‌های نصر بردی معادل ۶۰ کیلومتر دارند و از مکانی نامعلوم پرتاب شدند.

عاصم سلیم باجو اعلام کرد: «نصر یک سیستم واکنش سریع است.»

هنوز حجم قابل حمل توسط این موشک اعلام نشده است.

به گزارش خبرگزاری آلمان، هنوز مشخص نیست آیا این موشک‌ها قابلیت حمل هم تسلیحات هسته ای و هم تسلیحات متعارف دارند یا نه.



زمان مناسب کشتن تروریست‌ها را از آقای کرزی باید پرسید!



احمد عمران

آقای کرزی در واکنش به کشته شدن حکیم‌الله محسود فرمانده ارشد طالبان پاکستانی در وزیرستان شمالی، گفته است که امریکایی‌ها در زمانی نامناسب دست به این اقدام زده‌اند. اما آقای کرزی توضیح نداده که «زمان نامناسب» به چه معناست و از نظر او، چه زمانی می‌توانست برای انجام این کار مناسب باشد. این اظهارات نشان می‌دهد که گویا ارگ ریاست‌جمهوری جدولی تهیه کرده که بر اساس آن، زمان درست حمله به گروه‌های تروریستی در آن مشخص شده است؛ زیرا در غیر این صورت، چنین حرفی از سوی رئیس‌جمهوری کشور مطرح نمی‌شد.

اگر به نظر آقای کرزی این زمان نادرست بوده، پس چه زمانی باید برای این کار اختصاص می‌یافت؟ شاید آقای کرزی با توجه به توافقی‌هایی که با نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان در لندن انجام داده، این زمان را برای کشته شدن این فرمانده قسی‌القلب طالبان پاکستانی نادرست دانسته و یا شاید هم پس از دستگیری لطیف‌الله محسود که در ولایت لوگر افغانستان به چنگ نیروهای افغان و امریکایی افتاد، آقای کرزی زمان فعلی را برای کشته شدن این فرمانده، نادرست ارزیابی کرده است.

به هر صورت، این سخنان نشان از همدلی و همیاری گروه ارگ با طالبان دارد. آقای کرزی شاید فکر کند که

با نشان دادن چنین واکنش‌هایی، خود را از مظان اتهام و دست داشتن در کشتن حکیم‌الله محسود، مبرا خواهد کرد و این پیام را به طالبان پاکستانی و افغانستانی خواهد رساند که او نه تنها عامل قتل آن‌ها نیست، بل نسبت به چنین قتل‌هایی به شدت متأثر می‌شود.

اگر آقای کرزی فکر می‌کند که زنده بودن حکیم‌الله محسود می‌توانست در روند صلح موثر واقع شود، باید گفت که شدیداً اشتباه کرده و به هیچ عنوان این فرمانده طالبان وزیرستان شمالی، خواهان برقراری صلح و امنیت در افغانستان حداقل در موجودیت نظام فعلی، نبود. حکیم‌الله محسود بخشی از طالبان و القاعده بود که هرگز خود را جدا از این گروه‌ها به شمار نمی‌آورد. در ضمن نباید فراموش کرد که مرگ حکیم‌الله محسود با دو رویداد دیگر که تقریباً...

ادامه صفحه ۷

اتحادیه اروپا: صلح و توسعه افغانستان وابسته به تأمین حقوق زنان است



اتحادیه اروپا می‌گوید که ثبات و توسعه در افغانستان زمانی امکان پذیر است که خشونت علیه زنان در این کشور از میان برداشته شود.

لویز کسیر مسول انتخابات و حکومنداری اتحادیه اروپا برای افغانستان، تأمین ثبات و توسعه در این کشور را وابسته به رعایت تأمین حقوق زنان و رفع خشونت علیه آنان می‌داند.

آقای کسیر در نشستی که به هدف توانمندسازی زنان روز سه شنبه در کابل برگزار شده بود، گفت که عدم تساوی حقوق زنان در افغانستان چالش بزرگی در برابر انکشاف صلح و ثبات در این کشور است. او افزود: «افغانستان در روند انکشاف و بازسازی

قرار دارد و در این عرصه به دستاوردهای خوبی نیز نائل آمده است؛ اما تا زمانی که تساوی حقوق در نظر گرفته نشود و حقوق زنان رعایت نگردد، صلح برقرار...
ادامه صفحه ۶

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰